دیدگاه

نقش «امام محله» در شکل‌گیری لایه‌های شبکه امامت

مدیرعامل بنیاد هدایت ارائه مدل حکمرانی را مهم‌ترین نقطه جدال تمدن اسلامی و تمدن غربی دانست و گفت: مدل حکمرانی باید فقط تعیین‌کننده رأس جامعه نیست بلکه در ستاسر این پیکره ساری و جاری است؛ امام محله باید برای شکل‌گیری سایر لایه‌های شبکه امامت تلاش کند.

به گزارش رواق به نقل از مرکز رسانه بنیاد هدایت، حجت‌الاسلام سیدناصر میرمحمدیان، مدیر عامل بنیاد هدایت در افتتاحیه نخستین دوره تجلیل از برگزیدگان استانی مهره‌واره اوج که در سالن بهشت مجتمع ولایت مشهدالرضا برگزار شد، اظهار کرد: اکنون در نقطه حساسی از چنگ تمدنی قرار گرفته‌ایم و اقدامات میدانی شما در این شرایط حساس بسیار مهم است.

وی با اشاره به اینکه در واقعه غدیر مدل حکمرانی اسلام رونمایی شد، خاطرنشان کرد: این مدل حکمرانی همان مدل ولایت و امامت است که نقطه جدی جدال تمدنی ما با دیگر تمدن‌ها محسوب می‌شود.

میرمحمدیان بنیاد هدایت افزود: جنس حکمرانی که خداوند برای بشر طراحی کرده بر اساس تعالیم اسلام و معارف بیت(ع) است.

حجت‌الاسلام میرمحمدیان با بیان اینکه ولی فقیه تنها یک امام نیست بلکه سرتاسر این پیکره را ولایت تشکیل می‌دهد، امام محله باید برای شکل‌گیری سایر لایه‌های شبکه امامت تلاش کند. حجت‌الاسلام میرمحمدیان ابزارهای لازم برای امامت را برشمرد و گفت: ابزار امامت نه زر، نه زور و نه تزویر است، بلکه این ابزار «عَزیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ»، «یُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَةَ» و «أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ» است.

وی همچنین با بیان اینکه ولایت طولی وولایت عرضی در نقطه مسجد هم‌تلاقی می‌کنند، اظهار کرد: ولایت عرضی از نقطه مسجد در سه رابطه اجتماعی برادری، خانواده و همسایه در جامعه جاری می‌شود.

مدیرعامل بنیاد هدایت در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب و دستور قطعی و فوری اخیر ایشان مبنی بر انجام «جهاد تبیین» تصریح کرد: کار آمدی نظام امری است که باید تبیین شود، این مسیر نورانی که در ۴۳ سال طی شده واقعاً قابل دفاع است اما دشمن با تبلیغات سنگین خود در تلاش برای وارد کردن ضربه به این انقلاب است. حجت الاسلام میرمحمدیان به راهکارهای مقابله با دشمنان پرداخت و عنوان کرد: یکی از راه‌حل‌ها این است که امامان این جامعه، مسئله‌های مردم را با کمک خودشان حل نمایند که این اقدام مصداق همان مردم‌سالاری دینی است. قائم مقام معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی همچنین بیان کرد: کارآمدی طلبه‌ها باید در جامعه انعکاس یابد و شما در این مسیر حجت هستید و این تبلیغ شما همان جهاد تبیین محسوب می‌شود. بنابراین باید برای یک جهاد خانوادگی تمام وقت آماده شد تا در این مسیر محکم و قوی پیش رویم و به ثمرات ارزشمند آن دست یابیم.

بهترین شما کسانی اند که با مردم نرم‌ترند و زنان خویش را بیشتر گرامی می‌دارند.

کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردمان است.

من عمل عاقل اقرض الله علیه فهو من خیر الناس

موعظه

آیت‌الله مرتضی تهرانی

سفر به نیت زیارت اهل بیت(ع)

در روایت است اگر حسی اتاق بیندد، سزاوار نیست چایی را برای رفتن هدف‌گیری کند مگر یکی از مزارهای خاندان ما، مثلاً کربلا یا مدینه یا مشهد یا دیگر جاها مشرف شود. منظور این است انسان بخشی از عمر خود را صرف چنین مقصد و کاری کند که در این بخش از عمر، برای شیطان پلی زمینه مساعدی نباشد که دل انسان را از خدا و اولیای خدا قطع و به دنیا و ذخایر دنیا و نعمت‌های دنیوی وصل کند. حضرت می‌فرماید انسان وقتی وسایلش را می‌بندد، شایسته است مشورت می‌برای زیارت قبور یکی از این برنامه که برای زیارت کردن اولیا خدا چه اجر و ثوابی است و چه آثاری از مستجاب شدن دعاها ائمه طاهرین(ع) واقع شده نوعاً به دلیل شرایط و جو زمانشان نوشته نشده است. اگر خدای متعال بخواهد افراد شده به خاطر این است که در زمانی وارد شده که هیچ وسیله‌ای برای منتقل کردن معارف اسلامی و اهداف الهی وجود نداشته است مگر این راه، آن‌هایی که اهل شکم هستند حداکثرشان برآورده می‌شود، آن‌هایی که اهل اجر آخرتی و کرامت حجت‌ها به دنبالش هست، راه دیگری هم دارد؟ حتماً ندارد. اینکه می‌بینید روایات مختلف وارد شده به خاطر این است که در زمانی وارد شده که هیچ وسیله‌ای برای منتقل کردن معارف اسلامی و اهداف الهی وجود نداشته است مگر این راه، آن‌هایی که اهل شکم هستند حداکثرشان برآورده می‌شود، آن‌هایی که اهل اجر آخرتی و حورالعین هستند، حاجاتشان به آورده می‌شود و آن‌هایی نیز که اهل هیچ یک از این‌ها نیستند و فقط اهل لقای حق تعالی و اولیای خدا هستند، در این روایات آمده حضرت می‌فرماید در قیامت با محشور می‌شود، اینجا دیگر نه صحبت بهشت و نه صحبت جهنم است. کسی که لقای ائمه طاهرین را می‌خواهد و به آن عشق می‌ورزد در این روایات قول داده‌اند با ماست و با ما محشور می‌شود. نگفتند به جهنم رفته یا در بهشت می‌رود، ما می‌دانیم خدا این‌ها را به جهنم نمی‌برد. برای همه اقشار مختلف مردم این روایت بیان شده که هیچ کس نتواند بگوید هدف من در عمل به این روایت نیست، هدف من در زیارت این خاندان نیست.

سیره علما

کوتاه درباره آیت‌الله خوشوقت در نهمین سالگرد رحلتش

عالمی که دست‌پرورده عرفان عملی علامه طباطبایی بود

عزیزالله خوشوقت متولد ۱۰ مهر ۱۳۰۵ مجتهد و از روحانیون اخلاقی معاصر بود. او در حکمت و عرفان از شاگردان علامه طباطبایی در دقه از شاگران آیت‌الله بروجردی و امام خمینی(ره) و همچنین سال‌ها امام جماعت مسجد امام حسن مجتبی(ع) در شهر تهران بود. آیت‌الله صفایی بوشهری شخصیت علمی ایشان را چنین توصیف می‌کند: «آقای خوشوقت از اساتید بزرگی مانند مرحوم علامه طباطبایی، آیت‌الله‌العظمی بروجردی، امام خمینی و مرحوم حائری استفاده کرده بودند. برای اساتیدشان و به‌ویژه حضرت امام و علامه طباطبایی احترام بسیاری قائل بودند. ایشان فقه حضرت امام را فقه اهل بیت(ع) در شرایط معاصر و فقهی می‌دانستند که به‌درستی موضوع را درک کرده، مبانی فقهی را بر موضوعات، منطبق و راه را برای فقاهت دینی در حد همه عمل باز کرده است». آیت‌الله مصدوحی که سابقه ۵۰ سال آشنایی با آیت‌الله خوشوقت را دارد در توصیف شخصیت ایشان می‌گوید: «ایشان از بهترین شاگردان مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود. یعنی از کسانی بود که وقتی سر درس می‌رفت ۱۰۰ درصد درس را می‌فهمید. همچنین درس اصول امام خمینی را هم جامعه‌هیوقت اصلاح نمی‌شود. رکن اخلاق، ایمان در مرحله بالاست. راه رسیدن به این ایمان هم این است که چلو گناه گرفته شود و هم گناه نکنیم. گناه ضد ایمان است. اگر ایمان در افراد وجود نداشته باشد، وقتی در معرض دید پلیس نباشند، تخلف می‌کنند. ایمان، پلیس باطنی است».

چطور آدمی است. ایشان فرمود: «انصافاً آدمی است که بر کارهای خود مسلط است و انسان مسلطی است.» واقعاً هم ایشان همین‌طور بود. در اراده و عزم، بی‌نظیر بود. یادم است گاهی تابستان‌ها که به منزل ما تشریف می‌آورد، از اول شب تا صبح نماز شب را دورکعت دورکعت می‌خواند و بین نمازها استراحت می‌کرد. یعنی خواب پیوسته نداشت».

سخن را با نصیحتی از آن مرحوم به پایان می‌بریم. ایشان در پاسخ به پرسشی درباره راه مقابله با ضعف ایمان چنین پاسخ می‌دهد: «ضعف ایمان معلول گناه کردن و عدم پایبندی عملی به اسلام است. کسی که از آزادی خود سوءاستفاده می‌کند و مرتکب گناه می‌شود، خود را در وضعیت خطرناک قرار می‌دهد و دچار ضعف ایمان می‌شود. هر یک گناهی که انجام شود، ایمان را پایین می‌آورد، اما هر مراعات قانون اسلام، ایمان را بالا می‌برد. برای اینکه ایمان مردم بالا برود، ابتدا باید احکام اسلام را در جامعه پیاده کرد، آن وقت کارها درست می‌شود. تا زمانی که احکام اسلامی در جامعه پیاده نشود و ایمان مردم ضعیف بماند، رشوه می‌گیرند یا نماز نمی‌خوانند یا هر کار بدی را ممکن است مرتکب شوند. در این صورت اخلاق جامعه هیوقت اصلاح نمی‌شود. رکن اخلاق، ایمان در مرحله بالاست. راه رسیدن به این ایمان هم این است که جلو گناه گرفته شود و هم گناه نکنیم. گناه ضد ایمان است. اگر ایمان در افراد وجود نداشته باشد، وقتی در معرض دید پلیس نباشند، تخلف می‌کنند. ایمان، پلیس باطنی است».

نازه‌های نشر

از امتیازات امام زمان(عج) تا وظایف منتظران در «قبله آخرین»

کتاب «قبله آخرین» جدیدترین اثر حجت‌الاسلام مسعود علائی توسط نشر معارف روانه بازار شد.

حجت‌الاسلام مسعود علائی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم با بیان اینکه این کتاب در قالب چهار جلد برنامه‌ریزی شده، اظهار کرد: جلد اول و دوم کتاب به‌طور همزمان منتشر شده است.

حجت‌الاسلام عالی توضیح داد: جلد اول با عنوان دفتر اول، شامل امتیازات امام زمان(عج) نسبت به سایر انبیاء اطها(ع) بوده و خصوصیات آن حضرت نسبت به سایر اهل بیت(ع) را مورد بررسی قرار داده است.

به گفته حجت‌الاسلام عالی، مسائلی مانند عدالت خاص امام زمان(عج)، رحمت خاص آن حضرت در زیارت آل یاسین به عنوان رحمت واسعه و سایر خصلت‌ها و امتیازات ایشان در دفتر اول مورد بررسی قرار گرفته است. این نویسنده و محقق اسلامی درباره جلد دوم کتاب قبله آخرین گفت: در دفتر دوم به طور کلی وظایف منتظران در عصر غیبت مورد تحلیل قرار گرفته است. این کتاب در دو بخش «وظایف فردی منتظر» و «جامعه منتظر» دسته‌بندی شده است.

نویسنده قبله آخرین ادامه داد: وظایف فردی منتظر از سه منظر کلی قلبی، زبانی و عملی مورد واکاوی قرار گرفته است، لازم به توضیح است وظایف فردی منتظر از منظر قلبی و گفتاری در جلد دوم عنوان شده و بخشی از مسئولیت گفتاری و مجموعه عملی در جلد سوم کتاب ارائه خواهد شد. همچنین جلد چهارم اثر به عنوان رویکرد کلی جامعه منتظر، به جامعه پرداخته و مسئولیت جمعی منتظران را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

حجت‌الاسلام عالی به منابع مورد استفاده در این کتاب اشاره کرد و گفت: برای تألیف این اثر، تقریباً از تمامی منابع موجود در حوزه مهدویت استفاده شده است، روایات مستندی که در کتاب‌هایی مانند کمال‌الدین، الغیبه نعمانی، الغیبه شیخ طوسی و مجموعه بحارالانوار ثبت شده، منابع مستند کتاب قبله آخرین هستند و از روایات و آیات قرآن در حوزه مهدویت نیز استفاده جامعی شده است. در بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «آه از روزهایی که می‌گذرد و هنوز چشم انتظاری به پایان نرسیده است. چشم انتظاری نه فقط برای دیدن قد رعنایش بلکه برای چشیدن عدالت الهی اش و بوی ناب محمدی‌اش. در تقویم دل ما تمام روزهای به انتظار مهدی موعود و تپیدن قلب‌هایمان برایش عید است. بهترین هدیه‌ای که برای این دل‌هایمان می‌توان داشت یک شاخه گل نرگس یا یاد و عطر محمدی است.

سال‌های سال از غیبت آن حضرت می‌گذرد. روزهایی که به دلیل ناپاکی‌های خودمان دائم در حال اضافه شدن است. کم لطفی است که آه او را در هر جمعه مهمان دل‌هایمان نکنیم و به یاد او نباشیم. اما باید او را در اینجا کامل بشناسیم تا خانه وجودمان را برایش آب و جارو بزنیم».

سری کتاب‌های «قبله آخرین» از رابطه ما و اماممان صحبت می‌کند. نخستین جلد به سراغ ویژگی‌های این زیبای غایب رفته است. این کتاب توسط انتشارات معارف در قطع رقعی و با ۲۷۴ صفحه به چاپ رسیده است.

محسن فاطمی‌نژاد| ایده جهاد تبیین اگر هم قدیمی باشد اما کلیدواژه جدیدی در فضای مفهومی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است.

ظاهراً ایشان نخستین بار در سخنرانی اربعینشان در جمع هیئت‌های دانشجویی آن را مطرح کردند و دومین بار در سالروز ولادت حضرت زهرا(س) در جمع مداحان به این موضوع پرداختند و سومین بار در سخنرانی ۱۹ بهمن ۱۴۰۰ ماموریت جهاد تبیین را فریضه‌ای قطعی و فوری با ماهیت روایت درست حوادث معرفی کردند که فقط فریضه انسان‌هاتیست، بلکه بیشتر تکلیف سازه‌ها و نهادهای اجتماعی است که ماهیت رسانه‌ای دارند.

ما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسین مهدی‌زاده، پژوهشگر فقه حکومتی و مسئول مرکز نظریه اجتماعی فرهنگستان علوم اسلامی ایده جهاد تبیین رهبر معظم انقلاب را از دو منظر مورد بررسی قرار داده‌ایم؛ یکی در پاسخ به این پرسش که چرا از سه جلسه‌ای که ایشان این ایده را مطرح کرده‌اند، در دو جلسه مخاطب خودشان را هیئت‌ها قرار داده‌اند و دیگر اینکه چرا اصطلاح «روایت» در فرایند جهاد تبیین در منظومه فکری ایشان تا این حد پررنگ شده است. در بخش نخست این گفت‌وگو زاویه دوم یعنی تأکید بر مسئله «روایت» را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

■ جناب مهدی‌زاده، به نظر نوع خوانشی که از صحبت‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص جهاد تبیین توسط چهره‌های وابسته به جبهه انقلاب در حال بازتولید است، بیشتر از جنس ابزارهای اقناع و اقناع زبانی است. آیا منظور رهبری از جهاد تبیین چنین نقشی است؟ این را از این نظر می‌پرسم که با چنین خوانشی، نمی‌توان تمایز چندانی با تأکیدات پیش از این ایشان پیدا کرد؟

موضوعی که به‌تازگی رهبری به اسم «جهاد تبیین» مطرح کردند، از چند زاویه احساس می‌شود ایشان تلاش دارند مسئله‌ای را که در ذهن خودشان بسیار جدی است برای مخاطب عمومی مطرح و یک مسئله کمی پیچیده‌تر را با فاروری‌های ساده‌تری ارائه کنند. چون پیش از این، ایشان سابقه استفاده از اصطلاح دیگری با همین روایت استفاده می‌کنند، به نظر می‌رسد ایشان یک مدیوم و گدگذاری جدید برای مفاهیمی که باید انقلاب به جامعه منتقل کند، پیشنهاد می‌کنند که پیش از این، احتمالاً از آن حرف زده‌اند و الان دارند یک وجه عمومی به آن می‌دهند یا مخاطب خاص را دعوت می‌کنند که تو بیا و روی این موضوع کار کن.

ایشان ۱۹ بهمن در خصوص روایت درست حوادث صحبت کردند که یکی از مسئله‌ها و میدان‌های جدیدی است که به مرور جلو راه انقلاب اسلامی باز شده است. در دورانی که رسانه‌ها دارند گسترده‌تر می‌شوند و فضای درونی جامعه نیز در کنترل رسانه‌های دیگر قرار می‌گیرد، به مرور روایت کردن حوادث از کنترل شما خارج می‌شود.

جمهوری اسلامی در چند سال اخیر در روایت اتفاقات درونی خود مبتلا به رقبایی شده که مسئله‌ها به ضرر او تبیین می‌کنند. رسانه‌های فارسی زبان مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی، به کمک فضای مجازی خیلی کل درشت، در روایت لحظات و حوادث درون کشور حضور دارند و سبک روایتگری سنتی اخبار و حوادث در فضای داخل ایران را به‌کل زیر سؤال برده‌اند، به نحوی که بخش متوسط مدرن و حتی طرفدار انقلاب هم در بدست آوردن خبر، به آن‌ها رجوع می‌کنند و در خیلی از مواقع حتی آگر روایت آن‌ها را قبول نکنند، اما از سبک روایت آن‌ها خوششان می‌آید. رهبری در این شرایط از اصطلاح به اسم «روایت» استفاده کردند که ما داریم روایت خودمان را از دست می‌دهیم. ما باید راویان پروژه خودمان باشیم. تا حالا این روایت در اختیار سازه اصلی رسانه‌ای کشور بوده است ولی حالا ما باید برای این کار فکری کرده و نیروهای جدید روایتگری پیدا کنیم. به نظرم ایشان خیلی فکر کرده‌اند که چطور می‌توان کنترل روایت را پس گرفت و احتمالاً خیلی جدی و خودآگاه، مخاطبی به اسم هیئتی‌ها و مذهبی را به عنوان کسی که می‌خواهند آن‌ها را به جهاد تبیین دعوت کنند، انتخاب کرده و بعد هم گفته‌اند بقیه نیز باید ورود کنند.

نکاتی را درباره مفهوم روایت عرض کنم. روایت غیر از گفتمان است. گفتمان در اختیار ما اهل نظر است. ما اهل نظر مفاهیمی را که تولید می‌کنیم و عمدتاً مفاهیم تحلیلی هستند، در قالب گفتمان صورت‌بندی کرده و فرم و یک قالب زبانی به آن می‌دهیم. قالب زبانی یعنی ابزارهای زبانی را که علم از آن‌ها استفاده می‌کند، به‌کار بریم و به مخاطبمان منتقل کنیم. مخاطب ما نیز معمولاً کسی است که سطحی از تحلیل را داشته باشد. نکته مهم این است این نوع ابزار گفت‌وگو و تفاهم، نیاز به نوعی فرهیختگی دارد. نوعی جدیت برای اینکه شما اهل گفت‌وگو و تفاهم از طریق ابزار زبانی باشید ولی خودتان می‌دانید یکسری زیادی از مردم استعدادهای زبانی بسیار گسترده‌ای ندارند یا حتی آن استعدادها یشان به بلوغ نرسیده است، بنابراین وقتی می‌خواهید از طریق ابزارهای زبانی این کار را انجام دهید، سطح گستردهای از مخاطبان خود را از دست می‌دهید. اهل نظر همیشه دچار این مشکل هستند که وقتی می‌خواهند حرف بزنند گاهی بخشی از جامعه از سطح جدیت ما که می‌خواهیم یک ایده و مسئله‌ای را در قالب کلمات بیاوریم و تحلیلی به آن بزنیم و به جامعه عرضه کنیم، خنده‌اش می‌گیرد که می‌گویم، بنابراین کسانی که می‌خواهند بازبان تحلیلی بیایند و برای جامعه انگیزه تولید کنند، احساس می‌کنند جامعه فروبستگی دارد و با آن‌ها همراهی نمی‌کند. شما در همین شبکه‌های اجتماعی ببینید کسانی که اهل اندیشه هستند به‌طور طبیعی همیشه این پیام را دریافت می‌کنند که ما نفهمیدیم چه می‌گویید؛ دوست داریم بفهمیم ولی نمی‌فهمیم چه می‌گویید. بعضی‌ها نیز می‌خندند و اصلاً نمی‌توانند ارتباط بگیرند. ارزش تفاهم نیز به این است که وقتی تفاهم می‌کنید، بتوانید روی تصمیم و کنش طرف مقابل که با او به تفاهم رسیده‌اید اثر بگذارید، درست است؟ این نکته بسیار مهمی است. مهم این است روی تصمیم‌ها، انتخاب‌ها و جهت‌گیری‌های طرف نیز موقعی که با او به تفاهم می‌رسم اثر بگذارم. حالا در مقابل ابزارهای تحلیل که شما در تصمیم‌گیری دارید، من گاهی می‌نشینم و سعی می‌کنم سطح تخصص خودم را بالا ببرم، از چه طریقی؟ از طریق تحلیل. سپس برای اینکه بتوانم به جامعه کمک کنم که سطح تحلیلش را بالا ببرد سعی می‌کنم از ابزارهای گفتمان‌سازانه مثلاً استفاده کنم. در مقابل این یک روش دیگر نیز وجود دارد که برای مدرنیته معجزه کرده است. به نظرم ادیان و دین اسلام نیز از این قضیه به‌شدت استفاده می‌کرده و ما به نوعی از این ایده فعلیه گرفته‌ایم؛ آن، ابزارهایی است که چه در قالب کلمات و چه در قالب‌های دیگر به جای اینکه

نسبت جهاد تبیین با «گفتمان» و «روایت» در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسین مهدی‌زاده

تصویرسازی در میدان جنگ روایت‌ها

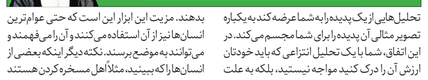

اگر به تصاویر آینده نپردازید، نمی‌توانید انگیزه برای توسعه و حرکت تولید کنید! اگر تصاویر آینده خودتان را خیالی شبیه مدرنیته بپذیرید، دوباره گفته می‌شود شما تصاویری متمایز از مدرنیته ندارید بنابراین پس چرا دارید این قدر با مدرنیته می‌جنگید؟

تحلیل‌هایی از یک پدیده را به شما عرضه کند به یکباره انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند و آن را می‌فهمند و می‌توانند به موضع برسند. نکته دیگر اینکه بعضی از انسان‌ها اگر به بیینید، مثلاً اهل مسخره کردن هستند و در دنیای مدرن نیز این‌طور انسان‌ها خیلی تعدادشان زیاد شده است، آدم‌هایی که می‌خواهند مال خودشان باشند و کاملاً بی مسئولیت در دم زندگی کنند، حتی چنین کسانی نیز نمی‌توانند موضع تسخر خودشان را در برابر تصاویر حفظ کنند. تصویر، آن‌ها را وادار می‌کند حب و بغض بروز دهند ولو اینکه نتوانند از کلمات استفاده کنند مجبور می‌شوند با احساسشان، موضع خود را در برابر آن مشخص نمایند. پس تصویرساز به نوعی شما را وادار به موضع‌گیری می‌کند. این قدرت بسیار بیشتر از قدرت مفاهیم تحلیل برای وادار کردن شما به موضع‌گیری است. یعنی کسانی که از ابزارهای تحلیلی استفاده می‌کنند ممکن است دست آخر به مسخره شوند که طرف بگوید اصلاً نمی‌خواهم حرفت را گوش بدهم ولی به ندرت پیش می‌آید کسی که دارد قصه و روایتی را تعریف می‌کند، طرف مقابلش بتواند مضاف بر اینکه نوع ارزش تصویرها را کم درک می‌کنیم، خبر گاهی از ۱۰۰ درصد، ۷۰ درصدش تحلیل است قالب تصویر است. مدرنیته به‌شدت به این قضیه معتاد است یعنی کارهایی را که می‌خواهد انجام دهد از چند سال پیش و از بازه زمانی بسیار ایمنی شروع می‌کند و تصاویر آن را در ذهن طرف مقابلش می‌کارد. البته به این دلیل که مدرنیته به‌خصوص مدرنیته فرن بیستم یعنی در مدرنیته پساوفردی که کنترل از طریق ناخودآگاه انجام می‌شود و یکی از کارکردهای مهم تصاویر همین ارتباط جدی‌ای است که با ناخودآگاه دارد، مدرنیته اصلاً از تصاویر به مثابه ابزار خشن برای کنترل استفاده می‌کند. البته تصاویر فقط ابزار کنترل نیستند، بازار تفاهم نیز هستند ولی به نظر من مدرنیته کاملاً به آن نگاه کنترلی دارد و می‌خواهد وحدت جبری در جامعه ایجاد کند و کاملاً باور به شکل جبار ناخودآگاه‌ها و جبار سلطه‌گر بر ناخودآگاه‌ها ورود پیدا می‌کند. ما باید مواظب باشیم خدای نکرده ابزار تصویر را با این دید نگاه نکنیم.

■ یکی از سؤالات جدی من همین جاست. به یاد دارم در نشست‌هایی با عنوان «رسانه در تمدن نوین اسلامی» یکی از اساتید همین را می‌گفت که ما برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید نسبت جدیدی با تصویر برقرار کنیم. پس شما می‌گویید نباید دید ما به رسانه به عنوان یک ابزار استیلاگر باشد و مدرنیته به صورت یک ابزار خشن برای کنترل آن استفاده می‌کند؟

ما باید دید ابزارِ تفاهم به آن نگاه کنیم چراکه مسئله ما رشد انسان‌هاست و کنترل انسان‌ها نیست. این بسیار مهم است. من همیشه ذکر این هستم که وقتی حکومت‌ها و انسان‌ها ابزارهای دقیق و مؤثر پیدا می‌کنند، نگاهش استیلاست یا نوعی همراهی و یاری گری و مشارکت؟ به هر حال این ابزار چنین توانی دارد و طرف مقابل ما به هر حال ناچوانمردانه دارد از آن استفاده می‌کند و ما نمی‌توانیم در مقابل استفاده او ساکت باشیم، چرا که همچون میدان جنگ که دشمن شما شروع به جنگ می‌کند، شما نمی‌توانید اینجا خاکریز نزنید بلکه باید خاکریز بزنید، چرا؟ چون بالاخره آنجا خاکریز زده شده و حالا اگر شما سکوت کنید سبب نمی‌شود طرف مقابل شما نیز دست از این میدان بردارد بلکه او شروع به ترک تازی می‌کند و حالا این شما هستید که از این میدان لطمه و شکست می‌خورید. نکته دوم در خصوص روایت، این است که موضوعات روایت‌ها متفاوت است. گاهی اوقات ما می‌خواهیم خود اکنون را روایت کنیم، معمولاً اکنون به دانش‌هایی چون اخبار و اماثالهم واگذار می‌شود. یک ابزار لحظه‌ای ماژسانه و روزنامه و حالا رسانه‌های لحظه‌ای‌تر... یعنی تا پیش از اینکه رسانه‌های برخط بیایند، روزنامه‌ها به فاصله یکی دو روز آن را منتقل می‌کردند. این‌ها روایت اکنون می‌گویند. اخبار سیاسی، سیاستمدار اصولاً خود را منتقل این می‌داند یعنی به سراغ حکومت‌های دیکتاتوری هم که بروید، این‌ها اخبار اکنون را خیلی جدی می‌گیرند و حتی گاهی اوقات فکر می‌کنند روابط عمومی شرکت‌ها دانش روابط عمومی خیلی خودش را منتقل این می‌داند یعنی خیلی خودش این خیلی قرائت ناقصی است ولی دم دستی‌ترین و رایج‌ترین است. خبرنگار نیز همین طور است، یعنی خبرنگار خیلی از اوقات به‌خصوص در خبرگزاری‌های خیلی ضعیف که ما الان در ایران داریم، معمولاً یک روایت سرد و بی‌روح را از اکنون روایت می‌کند. سردی و بی‌روحی‌اش به این دلیل است که خبرنگار ارزش کار خود را نمی‌داند و نمی‌فهمد دارد چکار می‌کند. مضاف بر اینکه نوع ارزش تصویر را کم درک می‌کنیم، خبر گاهی از ۱۰۰ درصد، ۷۰ درصدش تحلیل است و از تصویر تهی است یا تصویر بسیار ناقص است. تصویری که در خبر تولید شده است، به اندازه کافی تحریک‌کننده نیست و در من جهت ایجاد نمی‌کند و مرا به موضع‌گیری وادار نمی‌کند. این ضعف عمده در روایت اکنون را کاملاً می‌فهمیم. اما نکته بسیار مهم این است که ما همیشه از اکنون و موجود روایت نمی‌کنیم. به موازات اکنون شما باید همیشه یک روایت مطلوب هم داشته باشید.

■ این همان چیزی است که شما از آن به رویای اجتماعی پیشتر تعبیر کرده بودید؟

یعنی در مقابل روایت موجود باید به یک روایت مطلوب برسید و بتوانید مطلوب را نیز در قالبی روایت و تصویر کنید و تصویر کنند دیگر اینکه اگر خطرناکی است. مطلوب را به زبان تحلیلی و انتزاعی واگذار کردن، خیلی کار خطرناکی است. ریسک بسیار زیادی است و تعداد خیلی کمی با مطلوب ارتباط برقرار می‌کنند و تعداد کثیری به این دلیل که توان تحلیلی و استعداد تحلیلی کمتری دارند، از این زاویه از میدان گسترده‌ای که شما باید آن‌ها را وارد کنید جا می‌مانند، بنابراین برای ساختن مطلوب‌ها، شما با جمع بزرگی از انسان‌ها مواجه هستید که این‌ها به اندازه کافی قدرت مقاومت و خلاقیت ندارند. اصلاً اگر انسان‌ها به موضع‌گیری نرسند، به خلق کردن نمی‌رسند. موضع‌گیری چه زمانی مهم است؟ زمانی که بتوانیم چیزی را خلق کنیم، اگر شما موضعی نداشته باشید به خلق کردن نمی‌رسید. چطور می‌شود استارت آپ‌ها به‌وسیله نیروهایشان موفق می‌شوند چیزی را خلق کنند ولی وقتی به داخل سازمان می‌خواند احساس می‌کند روی کلمه کلمه آن باید تأمل کند و التذاذ ببرد». همچنین می‌فرمایند: «این پیام را این گونه مردم و روحانیون عزیز ما باید تأمل کنند. واقعاً این‌ها فیوضات معنوی پروردگار است که بر قلب اماممان نازل شده است».

■ منشور روحانیت را همه مردم باید بخوانند و عمل کنند

وی در پایان گفت: معنای سخنان آیت‌الله خامنه‌ای این است که منشور روحانیت، پیامی است که نه تنها روحانیون، بلکه مردم هم باید آن را بخوانند. این پیام از الواح آسمانی است و فیوضات معنوی خداست که بر امام عزیز ما و قلب ایشان نازل شده است. البته روحانیون باید بیشتر، جدی‌تر و مکرر این پیام را بخوانند زیرا خطاب و تأکید امام به روحانیون در این منشور بیش از دیگران است.

بازخوانی تاریخ

یک کارشناس مذهبی در خصوص پیام تاریخی امام خمینی(ره):

رخوت و انفعال حوزه دلیل صدور منشور روحانیت بود

سوم اسفند سال ۶۷ پیامی از سوی امام خمینی(ره) صادر شد که در آن خطاب به روحانیون، مراجع، مدرسان، طلاب و ائمه جمعه و جماعات راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران و رسالت حوزه‌های علمیه را تعیین کردند. این پیام منشور روحانیت نام گرفت.

حجت‌الاسلام و رجوع‌الله رحمانی مهر، کارشناس مذهبی در گفت‌وگو با فارس درباره منشور روحانیت امام خمینی(ره) گفت: این منشور در ابتدای خود، با سلام و صلوات بر شهدا آغاز شده و جایگاه ویژه شهدا در انقلاب را این‌گونه توصیف می‌کند: «یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجاب‌ها مانده است و در خانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب بلدای زندگی سینه سیاه هوس‌ها را دریده است و با سیه سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است و حال من غافل که هنوز از کتم عدم‌ها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله‌سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم».

■ وظیفه طلاب و روحانیون در برابر انقلاب اسلامی

وی ادامه داد: بدون شک انقلاب ما خونبهای هزاران شهید پاکباخته است. طبق متن ابتدایی این منشور، طلاب و روحانیون باید اسلامی بودن این انقلاب را حفظ کنند تا خون هزاران شهید هنر نرود و راهی باز نشود که دشمنان برای مقاصد منافع شخصی خود از خون ریخته هزاران شهید سوءاستفاده کنند، بدین ترتیب در فضای سنتی حوزه، چهره تازه‌ای از روحانیت انقلابی و پیشرو نشان داده شود که در متن زندگی طبقی و در مسیر قفاهت جواهری از واقعیت‌های بیرونی و عینی و ملموس جامعه غافل نیست و در عین دعوت به آخرت، می‌داند مسیر اصلاح آخرت از اصلاح دنیا می‌گذرد.

■ صدور منشور روحانیت برای پایمال نشدن خون شهدا

رحمانی با بیان اینکه امام خمینی(ره) پس از پایان هشت سال دفاع مقدس برای پایمال نشدن خون شهدا، باتوجه به اینکه خودشان اهمیت تبیین جایگاه و نقش حوزه را تشخیص داده بودند به میدان آمدند و پیامی با عنوان منشور روحانیت صادر کردند، گفت: امام این کار را انجام داد تا برای بزرگ‌ترین و ماندگارترین منشور جمهوری اسلامی درباره روحانیت و حوزه‌های علمیه این گونه آغاز شود و به نام منشور روحانیت مشهور شود: «خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرامی و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات دامت برکاتهم».

این کارشناس مذهبی ادامه داد: معمار کبیر انقلاب در شرایطی از پیوستگی دین و سیاست سخن گفت و کلام مرحوم سید حسن مدرس (دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست) را فرارد که فضای فکری حوزه‌ها در رخوت و انفعال شدید بود و از هر گونه دخالت در مسائل اجتماعی و سیاسی پرهیز می‌کرد و وظیفه و رسالت خود را تنها در مباشرت اعمال عبادی فردی یا مناسک دینی محدود اجتماعی می‌دانست.

■ هنوز در حوزه‌ها افرادی علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند

وی با اشاره به خطر تحجرگرایان در حوزه‌های علمیه گفت: قطعاً هنوز در حوزه‌های علمیه افرادی هستند که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند و طبق منویات امام خمینی(ره) در منشور روحانیت امروز عده‌ای با پُست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال فارغ نشوند. این‌ها مروج اسلام آمریکایی اند و دشمن رسول‌الله(ص).

آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

**■